ایران کمتر از ظرفیت خود در اوپک نفت تولید می کند

مدیرعامل شرکت مهندسی و تأسیسات دریایی گفت: افزایش ظرفیت تولید نفت کشور و رساندن آن به سهمیه تعیین شده باید در اولویت برنامه های دولت جدید باشد.

مسعود سلطان پور با بیان این مطلب درباره اولویت های دولت جدید در بخش نفت گفت : تاکنون بحث افزایش ظرفیت تولید نفت جدی گرفته نشده است به طوری که هم اکنون ایران کمتر از ظرفیت اسمی تعیین شده خود در اوپک نفت تولید می کند .

وی افزود : در اوپک برای ایران ظرفیت تولید نفت ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه تعیین شده درحالی که ایران هم اکنون روزانه ۴ میلیون بشکه نفت تولید می کند به عبارتی دیگر ۲۰۰ هزار بشکه کمتر از ظرفیت اسمی خود نفت تولید می کند.

وی گسترش ارتباط صنعت با نفت را از دیگر اولویت های دولت جدید عنوان کرد و گفت: علیرغم سرمایه گذاری های انجام شده در صنعت نفت ایران، اما میزان اشتغال ناشی از صنعت نفت ایران در کشور امارات بیشتر از داخل کشور است، چرا که وزارت نفت در این مدت تنها به مسؤولیت تولید توجه داشته است نه ایجاد ارتباط صنعت با نفت .

سلطان پور رسیدن به این هدف را با داشتن سیاست های کلان ممکن دانست وگفت : از سویی دیگر وزارت نفت باید صنایع وابسته به نفت کشور را تنها در چند منطقه خاص گسترش ندهد. به عنوان مثال هم اکنون صنایع وابسته به نفت کشور تنها در عسلویه و بندر امام تمرکز یافته است این درحالی است که این صنایع باید درمناطق محروم نیز گسترش یابد .

وی افزایش تولید بنزین را از دیگر اولویت های دولت آینده عنوان کرد و گفت : هر ساله باید چندین میلیارد دلار صرف واردات بنزین به کشور شود به گونه ای که در سال جدید نیز کشور به ۴/۵ میلیارد دلار اعتبار برای واردات بنزین نیاز دارد و این کمر کشور را می شکند .

مدیر عامل شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی در ادامه برخروج صنعت خودرو از انحصار تأکید کرد و گفت : درحال حاضر خودروهای ایرانی سه برابر خودروهای خارجی بنزین مصرف می کنند.

وی اضافه کرد : درنتیجه باید گفت تقصیر افزایش مصرف بنزین به دوش مردم نیست بلکه به دوش صنعت خودرو است؛ اما از سویی دیگر باید ادعا کرد که هم اکنون در واقع مردم بنزین را لیتری ۲۵۰ تومان خریداری می کنند چرا که خودروی آنها سه برابر استانداردهای دنیا بنزین مصرف می کند .

سلطان پور در ادامه با انکشاف نفت تأکید کرد و گفت : در طول ۲۰ سال گذشته دولت توجه چندانی به اکتشاف نفت در کشور نداشته است درحالی که باید دولت با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی و با استفاده ازقراردادهای مشارکت در تولید به توسعه اکتشاف نفت درکشور بپردازد.

لایحه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد تقدیم مجلس شد

لایحه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد که در جلسه هیأت وزیران به تصویب رسیده است، از سوی رئیس جمهوری تقدیم مجلس شورای اسلامی شد.

به گزارش روز چهارشنبه روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، در این لایحه هر نوع اقدام اشخاص حقیقی و حقوقی با هدف انتفاع برای خود یا دیگران که به صورت پرداخت وجه یا مال یا دادن امتیاز مستقیم یاغیر مستقیم برخلاف موازین قانونی به کارکنان دستگاه مشمول این لایحه انجام پذیرد، در زمره مظاهر فساد در نظام اداری تعریف شده است.

براساس این گزارش: قوای مقننه، قضاییه و تمام وزارتخانه ها، سازمانها، مؤسسه ها و شرکتهای دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسه ها و شرکتهای تابعه، تمام دستگاهها، شرکتها و نهادهایی که به نحوی از انحا از بودجه عمومی استفاده می کنند، مشمول این لایحه می شوند.

در صورت کشف فساد از دستگاهها، افراد کمک کننده و بالاترین مقام دستگاه از یک تا سه ماه حقوق ومزایا و تقدیر کتبی و به تناسب اهمیت فساد کشف شده از پاداش بهره مند خواهند شد.

در این لایحه هر گونه فعالیت اقتصادی به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای تمام دستگاههای نظارتی، نظامی، انتظامی و سایر دستگاههایی که در وظایف و اختیارات قانونی آنها فعالیت اقتصادی پیش بینی نشده،ممنوع اعلام شده است.

در ماده ای دیگر از این لایحه پیش بینی شده است که برای اجرای تصمیمهای کلی و پیگیری رهبردهای اتخاذ شده از سوی سران سه قوه «ستاد ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» با عضویت نمایندگان سه قوه تشکیل می شود.

به موجب این لایحه، هرگاه مدیران و سرپرستان مستقیم پیشگیری، کشف، اعلام و پیگیری تخلف ارتکابی در واحدهای تحت سرپرستی خود مرتکب تقصیر یا قصور شوند، تخلف محسوب و مطابق قانون رسیدگی به تخلفات اداری با آنان رفتار می شود و به تخلفات موضوع آن «خارج از نوبت» و حداکثر در سه ماه رسیدگی خواهد شد.

یورو؛ پول مشکل ساز اروپا

رفراندوم در فرانسه و هلند امیدهای اروپای واحد را به یأس تبدیل کرد. هم چنانکه انتقادات از یورو افزایش می یابد نگرانی هایی وجود دارد که اتحاد پولی اروپا نیز به مخاطره افتد.

کشورهای مختلف بارها این پول را مورد انتقاد قرار داده اند، اما شاید هرگز تا بدین حد پیش نرفته بودند. ایتالیا در ابتدای سال ۲۰۰۵ برای دومین بار پیاپی در ۲ سال گذشته وارد بحران اقتصادی شد. آلمان نیز با وجود شروع اصلاحات آزمایشی، همچنان در حال مقابله با رشد کند اقتصادی و بحران بیکاری است. پرتغال پنز در حال مبارزه با رکود اقتصادی است. این کشور به تازگی اعلام کرده است که کسر بودجه اش برابر با ۶/۸ درصد تولید ناخالص داخلی در سال جاری خواهد داشت که این میزان ۲ برابر بیشتر از حد مجازی است که در پیمان ماستریخ به عنوان عامل ثبات و رشد اقتصادی در نظر گرفته شده است. پرتغال تنها کشوری نیست که با کسری بودجه مواجه است، فرانسه، آلمان و ایتالیا سه قدرت بزرگ اقتصادی منطقه در حوزه یورو، شاخص های پیمان ماستریخ را به دفعات نقض کرده اند بدون اینکه در معرض تحریم های از پیش تعیین شده در این پیمان قرار گیرند. در ماه مارس اتحادیه اروپا صداقتانه اذعان کرد که با آسانتر کردن شرایط و پیش نیازها، در قوانین این اتحادیه به حد کافی راههای فرار و گریز تعبیه شده است.

کسر بودجه به نظر نمی رسد تهدیدی بزرگ برای رشد اقتصادی دولتها باشد. دولتهایی که با کسر بودجه مواجه اند معمولاً به سیاستهایی مالی روی می آورند تا کسادی و رکود را تعدیل کنند، اما دولتهای وابسته به حوزه یورو کنترل ذخایر مالی خود را به بانک مرکزی اروپا سپرده اند. بانک مرکزی اروپا نرخ بهره را در حال حاضر برای ۳ سال به میزان ۲ درصد اعلام کرده است و با وجود رشد اقتصادی کند و منفی ۳ قدرت برتر اقتصادی منطقه، در نظر دارد این نرخ بهره را افزایش دهد.

تنها دلیل شکایت مردم از یورو فقط سیاست بسته پولی و مالی اروپا نیست، به نظر می رسد یورو امتیازات مالی بسیاری از شرکتهای بزرگ را از بین برده است. همچنین کاهش ارزش آن در مقابل دلار سبب کاهش صادرات و کندی رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای حوزه یورو شده است.

عدم پذیرش قانون اساسی اروپا از سوی فرانسه و هلند بعد تازه ای به بحران یورو داده است. در اوایل ماه ژوئن گزارشاتی منتشر شد مبنی بر اینکه «هانس اشل» وزیر اقتصاد آلمان در جلساتی درباره امکان سقوط یورو سخنرانی کرده و شکست انتخاباتی اخیر در آلمان را به عهده مسائل اقتصادی گذارده و یورو را عامل مشکلات اقتصادی دانسته است و از طرف دیگر یک روزنامه ایتالیایی به نقل از «روبرتو مارونی» رهبر یکی از احزاب ایتالیا یورو را به شدت مورد انتقاد قرار داده و آن را عامل ایجاد فقر اقتصادی در ایتالیا دانسته و خواستار بازگشت لیر به سیستم بانکی کشور شده است.

«یک اتحادیه با نرخ رشد اقتصادی متفاوت»

از ابتدا حتی قبل از اینکه یورو در سال ۱۹۹۹ به تصویب نهایی برسد کاملاً مشخص بود که هیچ یک از کشورهای اتحادیه اروپا و ۱۲ عضو زیرمجموعه آن نظر مساعدی نسبت به پول واحد نداشتند. در وضعیت ایده آل اقتصادی، محدوده پولی باید تا حدودی فشرده و متجانس باشد و تفاوتهای منطقه ای کمی را در دایره تجارت در برگیرد. به عبارت دیگر، سیاست «یک واحد پول برای همه» در حوزه پهناور سیاسی و تجاری کارایی ندارد، بعضی از مناطق را در رکود کامل فرو خواهد برد و سبب رشد بعضی مناطق دیگر می شود.

این دقیقاً همان چیزی است که بسیاری معتقدند در اروپا به وقوع پیوسته است، در حالی که تعداد اندکی از کشورها مانند ایرلند رشد اقتصادی سریعی را تجربه می کنند، کشورهای بزرگی همانند آلمان و ایتالیا در دوران رکود به سر می برند.

راههای متفاوتی برای کاستن از این نابرابری ها در حوزه های مالی بزرگ وجود دارد. آمریکا هم که سیستم واحد پولی دارد مناطقی از آن گاه دچار شکوفایی و یا رکود اقتصادی می شوند و با سایر مناطق هماهنگی ندارند، اما آمریکا با اعمال سیاستهایی توانسته است تا حدودی این نابرابریهای اقتصادی را تنظیم کند، برنامه های فدرالی هر ایالت همانند عامل ثبات عمل می کند. درآمدهای مالیاتی از نقاط شکوفاتر اقتصادی بیرون کشیده شده و به مناطقی که رشد اقتصادی کمتری منتقل می شود تا صرف بیمه های بیکاری و بازنشستگی شود. بازار کار آمریکا نیز کاملاً قابل انعطاف است. این انعطاف باعث می شود که حقوق و مزایا تا حدودی تنظیم شود. به مناطق محروم امتیازاتی تعلق می گیرد که سبب جذب سرمایه گذاریهای جدید شده، بنابراین در نهایت سبب رشد اقتصادی این مناطق می شود و کارگران مناطق محروم نیز به طور متناوب برای یافتن کار از نقطه ای به نقطه دیگر نقل مکان می کنند و بالاخره اینکه جابه جایی سرمایه نیز به خوبی امکانپذیر می شود. بدون اعمال این سیاستهای مالی، مردم مناطق محروم به راحتی وارد دایره رکودی خواهند شد که خروج از آن بسیار دشوار خواهد بود.

در اروپا برعکس آمریکا مکانیزمهای اندکی برای هماهنگی در چرخه متفاوت تجاری و پهناور حوزه یورو وجود دارد.

بانک مرکزی اروپا هم در تلاش است تا روش میانه روی را در ارتباط با کشورهای ثروتمند و محروم تر اتخاذ کند و در عین حال این روشها بر مبنای مبارزه با تورم نیز باشد که نتیجه آن پول واحدی شده است که برای بعضی از کشورها بسیار مطلوب و ایده آل و برای بعضی دیگر بسیار نامطلوب بوده است. به هر صورت کمبود سیاستهای تعدیل گرایانه اقتصادی همواره این اتحادیه را با مشکل مواجه خواهد کرد. سدهای زبانی و فرهنگی که در برنامه های بیمه و بازنشستگی شاغلان در نظر گرفته نشده است کارگران را به ماندن در کشورهای خودشان ترغیب می کند و مهم نیست که کشورها وضعیت اقتصادی مطلوبی ندارند و همین سکوتن و ماندن، راههای دستیابی به همگرایی و وحدت را در این اتحادیه می بندد. اگر اقتصاد اروپا با وجود بازار کار انعطاف پذیر و بین المللی به سوی بازار واحدی پیش نرود این خطر وجود دارد که بعضی از اعضای این اتحادیه اختلاف نظر بین سیستم پولی کشورشان و بازار اقتصادیشان را آنقدر شدید ببینید که به هیچ وجه نتوانند در برابر این اختلاف نظر استقامت کنند.

متأسفانه سیاستهای اخیر برای هواداران یورو همه در جهت اشتباه بوده است و نه تنها ثبات و رشد اقتصادی که برای کم به تعدیل سیاستهای مالی در نظر گرفته شده بود ضعیف تر شده است، بلکه پیشرفتها در جهت گسترش دسترسی به بازار کار اروپا نیز راه به جایی نبرده است و مقاومت زیاد عمومی برای حمایت از مصرف کنندگان، دولتها را که می توانست به بهبودی اوضاع بینجامد بی علاقه و از جهاتی ناتوان از انجام اصلاحات ساختاری کرده است.

بدون اعمال تغییرات یورو راه سختی در پیش دارد. سیاستمداران زمان کمی دارند که سیاست پولی بازتری را جایگزین کنند. اگر کاری انجام نپذیرد بی ثباتی یورو افزایش خواهد یافت. در حال حاضر ایتالیا با آرژانتین مقایسه می شود جایی که نابرابری پول کشور با دلار سبب شد که صادرات غیرقابل رقابت شود و چرخه های رکود زده شد و در نهایت بحران مالی، دولت را مجبور کرد پول خود را دوباره نرخگذاری کند.

در این حالت چنین مقایسه ای شاید بیشتر در نظر گرفتن پیامدهای بد و ناخوشایند باشد، اما از این موضوع نباید غافل باشیم که جامعه کاری اروپا نیاز به هماهنگی وفعالیت بیشتر دارد تا بتواند در مقابله با مسائل اقتصادی قدرتمندتر باشد.

منبع: اکونومیست

مترجم: شیرین ستارزاده

بازار نفت از نگاه اوپک

در آغاز فصل رانندگی ایالات متحده، فعالان بازار نفت معمولاً نگاه خود را به سطح ذخایر بنزین معطوف می کنند. طی این فصل که از اواخر ماه مه آغاز می شود و تا اوایل سپتامبر ادامه دارد - عوامل اقتصادی، فنی، وپشتیبانی که بر عرضه و یا تقاضای بنزین تأثیر دارند، توعا بر قیمت های نفت خام و فرآورده های آن اثر می گذارند.

این مسأله به ویژه در سال گذشته صحت داشت چون افزایش سریع تقاضا برای فرآورده های مختلف مخصوصاً بنزین، با کاهش عرضه سوخت های موتوری همراه شد وفشار زیادی بر مجموعه نفتی وارد کرد. درنتیجه در سه ماهه دوم سال ۲۰۰۴ رهبری بازار شدیداً به فرآورده بنزین گرایش پیدا کرد. این به نوبه خود باعث شکاف قیمتی میان نفت خام و پالایشی شد به طوری که قیمت WTI در ماه می بیش از ۶ دلار در هر بشکه افزایش یافت و به ۴۷ دلار و ۳۶ سنت در هر بشکه رسید. در سه ماهه سوم با توجه به افزایش تولید داخل، افزایش واردات و پایین آمدن نرخ رشد تقاضا در مقایسه با ابتدای سال، بنزین قوت خود را از دست داد و فعالان بازار توجه خود را به عوامل بنیانی و غیر بنیانی دیگر معطوف کردند.

از آن زمان به بعد بازار بنزین نتوانسته است به جایگاه اصلی خود باز گردد. در سه ماهه اول سال ۲۰۰۵ تقاضای بنزین در ایالات متحده ۹ دهم درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش داشته است این در حالی است که در همان زمان رشد تقاضا ۳/۲ درصد بود. در دوماه گذشته گامهای تقاضای بنزین بهبود یافته است اما هنوز سرعت این گام نسبت به سال گذشته کند است. در ماه می تقاضا برای سوخت موتور در مقایسه با ماه مشابه سال قبل ۱/۷ درصد بالا رفت و پیش بینی می شود که در ماه جولای وآگوست حول وحوش ۲ درصد باقی بماند. در همین حال واردات بنزین در سه ماهه اول امسال در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۱۸۸ هزار بشکه در روز یا ۲۶ درصد افزایش یافت. این افزایش همراه با پایین آمدن نرخ رشد تقاضا سبب شده است که ذخایر بنزین افزایش یابد.

برای شروع فصل مسافرتها، ذخایر بنزین در سطح ۲۱۵ میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه برآورد شد که معادل ۲۳ روز مصرف است که یک روز بیشتر از سال گذشته است. با بازگشت پالایشگاه های ایالات متحده از تعمیرات به کار و افزایش پتانسیل واردات از اروپا، انتظار می رود سطح ذخایر بنزین در ماه ژوئن بیشتر شود که با این اوصاف ترس از کمبود عرضه در اوج تقاضا که در ماههای ژوئن و اگوست است، بی مورد خواهد شد.

بر خلاف وضعیت نسبتاً سالم بنزین، بازار قطران به طور اعجاب انگیزی قوی به نظر می آید. آن طور که مشاهده شده است crack spread گازوئیل در مقابل نفت خام نیمکس در ساحل شرقی ایالات متحده تقریباً معادل crack spread بنزین است که برای این دوره از سال کاملاً غیر معمول است. تقویت قیمت های قطران در فصل تابستان یک عامل مهم پیش برنده شده و به قیمت های شکننده و بالای نفت کمک کرده است. این امر ناشی از نگرانی تحدید ظرفیت پالایشی جهان و تطبیق آن با رشد مقوی تقاضای قطران بود که با یک سری از عوامل مانند ذخایر پایین قطران در ایالات متحده در مقایسه با ذخایر بنزین ونفت، تقاضای بالای سوخت دیزل واین گمانه که شاید عرضه قطران با افزایش تولید بنزین که برای برآورده کردن تقاضای آن در فصل تابستان صورت می گیرد، کم شود، برجسته شده است.

تقاضای قطران ایالات متحده در سال ۲۰۰۴ حدود ۴ درصد نسبت به سال قبل از آن افزایش یافت. این تقاضا متعاقب کاهش موقتی که در سه ماهه اول سال ۲۰۰۵ روی داد مجدداً در ماه می ۵/۶ درصد افزایش داشت. اگر این روند در ماههای بعد ادامه یابد شاهد آن خواهیم بود که بازار ایالات متحده روند شدیدی را در مصرف قطران دنبال کند. این اتفاق باعث آوردن فشار بر بازار قطران در اروپا و آسیا خواهد شد.

عرضه بیش از اندازه نفت خام که تولید اوپک هم منطبق با آن صورت گرفت سبب یک ذخیره تجاری مناسب شده است. شواهدی وجود دارد و نشان می دهد که عرضه بازار کافی است. این شواهد را می توان در ساختار قیمتی آینده مشاهده کرد ساختاری که از backwardation به contango تغییر کرده است. این روند که احتمالاً تا پایان سال ادامه خواهد یافت سبب تشویق ذخیره سازی خواهد شد که این امر تعدیل قیمت ها را بدنبال خواهد داشت. هر چند بازگشت قیمت های نفت به سطح ۵۰ دلار در هر بشکه عمدتاً ناشی از سفت و سخت بودن «بازار فرآورده ای» است که این هم به فقدان ظرفیت مؤثر پالایشی نفت در جهان برمی گردد.

اوپک برای برآورده کردن تقاضای جهانی نفت در مدت باقیمانده از سال در آخرین نشست خود سقف تولیدش را ۵۰۰ هزار بشکه در روز بالا برد و آن را به ۲۸ میلیون بشکه در روز رساند. بنابراین تصمیم، اگر سطح قیمتها در همین وضعیت بماند امکان اضافه کردن ۵۰۰ هزار بشکه دیگر در روز وجود دارد. این تصمیم نشانه تعهد اوپک به تثبیت بازار است. این اضافه تولید جدا از تولید اضافه ای است که تولیدکنندگان غیر اوپک قرار است در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ به ترتیب ۸۰۰ هزار بشکه تا یک میلیون بشکه در روز وارد بازار کنند.

وزیر امور اقتصادی و دارایی: دولت در ایجاد ثبات نسبی در قیمت ها و مهار تورم موفق عمل کرده است

گروه اقتصادی: «در چند سال گذشته به منظور عبور از یک اقتصاد دولتی، بسته و غیررقابتی و دستیابی به اقتصاد رقابتی با محوریت بخش خصوصی، فضای اطمینان بخشی برای فعالیت های اقتصادی و سرمایه گذاری فراهم شده است تا بتوان در شرایطی رقابتی، سرمایه گذاری مطمئن و امنی در کشورمان فراهم شود.»

به گزارش ایسنا دکتر سیدصدر حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی با بیان این مطلب افزود: در بخش نرم افزاری، دولت در امر شفاف سازی قوانین و مقررات تلاش های بسیاری داشته به گونه ای که در حال حاضر اهداف عمده برنامه سوم در این بخش تأمین شده و زیرساخت های مناسب برای رشد مداوم اقتصادی فراهم شده است.

وی که در دومین همایش گمرک و فناوری اطلاعات سخن می گفت یکسان سازی نرخ ارز را از عمده ترین اصلاحات انجام گرفته ذکر کرد و گفت: «یکسان سازی نرخ ارز از طریق شفاف سازی قابل توجه در بودجه دولت و یارانه های پرداختی انجام شده است و اینکه در طول برنامه، متوسط نرخ ارز در بازار بین بانکی و بازار غیررسمی، تفاوت زیادی نداشته، نشانه خوبی برای موفقیت این سیاست است.»

وی همچنین به تأسیس حساب ذخیره ارزی به عنوان راهبرد اصولی در تضاد اقتصاد ایران نام برد و اظهار داشت: «این صندوق تأثیرپذیری منفی از تحولات اقتصادی جهانی را کاهش می دهد و ثروت نفت به دارایی های مولد تبدیل و تأمین سرمایه موردنیاز بخش خصوصی برای افزایش تولید و ایجاد اشتغال در اولویت قرار می گیرد.»

حسینی در بخش دیگری از سخنانش به اقدامات انجام گرفته در بخش توسعه صادرات غیرنفتی اشاره کرد و افزود: «رشد صادرات غیرنفتی به ۶/۸ میلیارد دلار و رشد صادرات خدمات به سه میلیارد دلار در سال ۸۳ در کنار حذف موانع غیرتعرفه ای و حرکت تدریجی و اصولی برای هم پیوندی با اقتصاد جهانی و حمایت منطقی از صنایع داخلی به دست آمده است.»

وی ادامه داد: تصویب قانون جدید حمایت از سرمایه گذاری خارجی، فرایند ورود سرمایه های خارجی به کشور، انتقال فناوری پیشرفته، دستیابی به بازارهای جهانی را تسهیل کرده است. به گونه ای که در سال گذشته پنج میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی به تصویب هیأت عالی سرمایه گذاری رسیده است و همه اصلاحات در این زمینه موجب کاهش ریسک سرمایه گذاری در کشور شده است.

حسینی همچنین ثبات نسبی سطح عمومی قیمت ها و مهار تورم را از دیگر اقدامات مهم و مؤثر دولت برشمرد و اضافه کرد: متوسط نرخ تورم طی دوره هشت ساله معادل ۱۵/۷ درصد بوده که در مقایسه با اهداف برنامه (۱۵/۹ درصد) حاکی از موفقیت سیاست گذاران پولی در کنترل تورم است.

وی اصلاح قانون مالیات ها را نیز از عمیق ترین اصلاحات دولت دانست و گفت: «اصلاح قانون مالیات ها با هدف کاهش هزینه تولید و تسهیل سرمایه گذاری، افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق گسترش پایه های مالیاتی، نرخ مالیات بر شرکت ها از حداکثر رقم ۵۴ درصد به ۲۵ درصد و مالیات اشخاص حقیقی از حداکثر ۵۴ درصد به ۳۵ درصد کاهش یافت و لایحه مالیات بر ارزش افزوده به مجلس ارائه شد که شور اول آن به تصویب رسید، که اجرای این قانون علاوه برتأمین منابع مالی مطمئن برای دولت، عدالت مالیاتی محقق می شود.»

وزیر امور اقتصادی و دارایی به تأثیرات ورود بانک ها و بیمه ها خصوصی و بازار سرمایه در چند سال گذشته اشاره کرد و افزود: «ایجاد مؤسسات اعتباری غیربانکی و بانک های خصوصی برای اولین بار باعث تعمیق بازار مالی کشور شده و اصلاح ضریب کفایت سرمایه بانک ها، کاهش تسهیلات تکلیفی از ۱۰ درصد در برنامه سوم به ۲۰ درصد کاهش در برنامه چهارم، منطقی کردن نرخ های سود تسهیلات، کاهش نرخ سپرده های قانونی و اعطای آزادی عمل بیشتر به بانک ها برای تخصیص منابع اعتباری از جمله مهم ترین اصلاحات و اقدامات اجرایی بوده است.»

به گفته وی بانک های دولتی تنها پنج درصد تسهیلات خود را به بخش دولتی اختصاص دادند و ممنوعیت استقراض از بانک مرکزی برای تأمین بودجه باعث شد که نظام مالی کشور تا حد زیادی از آسیب پذیری مصون بماند.

حسینی عنوان کرد: «تسهیلات اعطایی بانک های دولتی به بخش خصوصی به میزان متوسط سالانه ۳۵ درصد طی سال های برنامه سوم رشد کرده است و نسبت تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی به کل سپرده های بانکی در سال ۷۶ حدود ۵۲ درصد بود که این نسبت در سال ۸۳ به حدود ۸۳ درصد افزایش یافته است.»

وی افزود: «جذب سپرده در بانک های خصوصی در سال ۸۳ نسبت به سال ۸۲ از رشدی معادل ۱۹۲ درصد برخوردار بوده است و در همین مدت بانک های خصوصی ۳۰ هزار میلیارد ریال تسهیلات در اختیار متقاضیان قرار داده اند.»